

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۸۱-۱۵۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹

نظریه توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها در ایران: استرژری داده بنیاد

کریم مه‌ری^۱

محمود ابراهیمی^۲

الیاس امینی بردپاره^۳

سعید صفری^۴

چکیده

مقاله حاضر با استفاده از رویکرد بر ساختی و تفسیری و روش‌شناسی نظریه داده بنیاد^۵ به بازسازی معنایی موانع توسعه بخش تعاون بر اساس مصاحبه با مطلعین کلیدی می‌پردازد. روش‌شناسی پژوهش حاضر، روش‌شناسی کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد ثانویه برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر است که «چه مدل نظری توسعه تعاونی‌ها را از دیدگاه مطلعین کلیدی تبیین می‌کند؟ چه عواملی باعث توسعه‌نیافتگی بخش تعاون گشته است؟» چه تغییراتی باید رخ دهد تعاونی‌ها توسعه یابند؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ این پژوهش به ارایه نظریه به صورت محدود به واقعیت پرداخته تا بر اساس آن، مدل نظری (تحلیلی)^۶ در خصوص موانع توسعه بخش تعاون به شیوه نظریه‌پردازی داده بنیاد ارائه گردد. یافته‌های به دست آمده شامل متغیرهای تعدیل ساختاری قبل و بعد از انقلاب، مدیریت نامطلوب در تعاونی‌های بزرگ و ناتوانی در انطباق تعاونی‌های کوچک به عنوان شرایط علی درونی؛ تحریم‌های بین‌المللی توسعه شهرنشینی رفاه نسبی و رشد فردگرایی به عنوان شرایط علی بیرونی؛ اصلاحات ارضی، ابعاد حقوقی-قانونی و کاهش سودمندی برخی تعاونی‌ها به عنوان بستری؛ جنگ، کمبود سرمایه مالی، کمبود سرمایه اجتماعی و کمبود سرمایه فرهنگی و ضعف مدیریتی به عنوان شرایط مداخله‌گر؛ ضعف توسعه فرهنگی و دولت محوری؛ فقدان توسعه سرمایه اجتماعی به عنوان راهبرد و پیامدهای عدم توسعه تعاونی‌ها و مقوله هسته‌ای این بررسی موانع توسعه تعاونی است.

واژگان کلیدی: توسعه تعاونی‌ها، تعدیل ساختاری، نظریه‌پردازی داده بنیاد، سرمایه اجتماعی

Email: kmehrik@yahoo.com

Email: ebrahimim12@yahoo.com

Email: elyasamini89@yahoo.com

Email: saeedsafarift@yahoo.com

5- grounded theory

6- Theoretical (analytical) model

۱- مدیر گروه پژوهشی علوم اجتماعی جامعه اندیش

۲- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

۴- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

تعاونی‌ها سازمان‌هایی دموکراتیک هستند و توسط اعضای خود که فعالانه در سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات مشارکت می‌کنند، ایجاد می‌گردند. پیشینه فعالیت تعاونی‌ها به دوران بسیار دور در قالب تعاونی‌های سنتی و سپس مدرن بازمی‌گردد با وقوع انقلاب اسلامی باور عمومی نسبت به تعاون تغییر یافت. و راه یافتن تعاون به قانون اساسی، این شیوه پسندیده فعالیت اقتصادی-اجتماعی از اعتبار مضاعفی نیز بهره‌مند ساخت و عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران به تحقق عدالت اقتصادی با توسل به همه روش‌های شناخته شده را آشکار کرد و بابتی جدید را فراراه مشتاقان گسترش عدالت اجتماعی گشود. در صدر جهات و دلایلی که تعاون را به‌عنوان دومین بخش اقتصادی کشور مطرح می‌سازد باید به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اشاره نمود.

در اصل ۴۳ جهت دستیابی به اهدافی از جمله تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد (قانون اساسی، اصول ۴۳ و ۴۴) برای دستیابی به اهداف متعالی نظیر ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد قطعاً نیاز به برنامه‌ریزی مبتنی بر پژوهش بوده است. بر اساس اصل ۴۳ و ۴۴ تعاونی به‌عنوان دومین بخش اقتصاد کشور به رسمیت شناخته شده است. در برنامه ششم توسعه مقرر شده است ۲۵ درصد اقتصاد کشور تعاونی گردد؛ اما بر اساس شواهد، کمتر از ۵ درصد اقتصاد کشور هم اکنون به تعاونی‌ها تعلق دارد. به‌عبارتی دیگر، تعاونی‌ها به‌دلیل وجود موانعی به اهداف تعریف شده دست نیافته‌اند.

هرچند به‌دلیل اهمیت مسأله پژوهش‌های زیادی با صرف هزینه‌های قابل توجه در زمینه شناسایی موانع توسعه تعاونی‌ها انجام شده است اما مسائل تعاونی‌ها کشور همچنان

یابرجا و حل نشده به‌نظر می‌رسد. یکی از دلایل اساسی این مسأله این است که نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده هماهنگ و یک دست نمی‌باشد. به‌عبارت دیگر تحقیقات متعددی در این زمینه از جمله در کشور ما صورت گرفته است که به‌دلیل رویکرد پوزیتویستی و کمی‌گرایانه و عوامل دیگر نتایج حاصله پراکنده مبهم و نارسا و گاه متناقض می‌باشد لذا چندان قابل استفاده نیستند. بنابراین استفاده از روش نظریه داده بنیاد جهت تدوین یک مدل نظریه برخاسته از تجربه افراد مطلع کلیدی دارای اهمیت بسیار است.

تعدادی از نویسندگان و محققان در مراکز مختلف مربوط به مطالعه تعاون به این مسائل پرداخته‌اند اما مطالعه آنها عمدتاً سطحی و محدود به دسته‌بندی آسیب‌های تعاونی‌ها به شکل محدود بوده است و هیچ‌کدام در قامت یک مدل نظری-تحلیلی ظهور نیافته است. به‌خصوص هیچ‌کدام به ارائه مدل نظری (تحلیلی) بر اساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد پرداخته‌اند. در این مقاله منظور از مدل نظری (تحلیلی) مجموعه مقوله‌های پرورده است که به‌صورت منظم با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا چار چوب مدلی را شکل دهند که پدیده فرایندی توسعه تعاونی را توضیح دهد. جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند موانع توسعه تعاونی‌ها به‌دست چه کس و چه چیز و در چه وقت، در کجا، چرا، چگونه، و با چه پیامدهایی رخ داده است.

لذا مسئله اساسی این مطالعه ارائه مدل نظری تحلیلی^۱ در خصوص موانع توسعه تعاونی‌ها بر اساس مصاحبه با افراد مطلع کلیدی و ترکیب یافته‌های پژوهش‌های گذشته است. در همین راستا با استفاد از رویکرد بر ساختی و تفسیری و روش‌شناسی نظریه داده بنیاد به بررسی موانع توسعه تعاونی‌ها پرداخته خواهد شد. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر این خواهد بود که «چه مدل نظری موانع توسعه تعاونی‌ها را تبیین می‌کند؟» به بیان دیگر این مقاله مشخص خواهد کرد که موانع توسعه تعاونی‌ها از دیدگاه مطلعین کلیدی، در چه زمینه‌ای؛ توسط چه کسانی؛ چه زمانی؛ با چه شدتی و به چه دلیلی بوقوع می‌پیوندد. راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ محقق در این مقاله سعی نموده است از این رهگذر به نتایج و پیشنهاداتی دست یابد که مدل نظری موانع

توسعه تعاونی‌ها را به‌عنوان یک مورد پژوهشی در محافل و مجامع علمی مطرح سازد و دستاوردهای این رساله در سطحی باشد که در محافل یاد شده در جهت آموزش نظریه تعاون در مجامع اکادمیک به‌حساب آید.

هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق درک معنایی موانع توسعه تعاونی‌ها بر اساس دیدگاه مطلعین کلیدی و پژوهش‌های انجام شده است.

اهداف خاص‌تر این تحقیق را می‌توان به‌شرح زیر مقوله‌بندی کرد.

- چه جنبه از عناصر جامعه ایران تغییر کرده است که مانع رشد تعاونی‌ها شده است؟

- مجاری و منابع این تغییرات از نظر مطلعین کلیدی کدام اند؟

- پیامدهای این تغییرات از دیدگاه مطلعین کلیدی چیست؟

- ارائه یک مدل پارادایمیک شامل پنج بعد شرایط؛ زمینه، عوامل مداخله‌گر؛ تعامل و پیامد بر اساس نظریه داده بنیاد.

چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمائی هستند، از چهارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (احمدپور، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در رویکر نسل دومی محققان نظریه‌پردازی داده بنیادبر استفاده از تئوری در تحقیق تأکید شده است در تعریف حساسیت نظری بیان می‌داند که سطح حساسیت نظری یک پژوهشگر بازتابی از سابقه ذهنی و فکری محقق است یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده می‌تواند در انجام پژوهش خود بهره گیرد (ملانی، ۲۰۰۶: ۲۳).

مفهوم تعاون

لغت تعاون از زبان عربی و از کلمه عون گرفته شده و معادل فارسی آن همکاری و همیاری رساندن، یاری رساندن، یاری و دستگیری است. تعاون از زمانی که در «راچ دایل» انگلستان ایجاد گردید، دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده و در حال حاضر تعاونی‌ها در تمامی جوامع (سرمایه‌داری، سوسیالیستی و...) و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی به فعالیت می‌پردازند و حتی در کشورهای اسکاندیناوی تعاونی‌ها بیشترین سهم را در ایجاد اشغال و تولید ناخالص ملی دارا بوده و در کشورهای در حال توسعه و به تعبیر مناسب‌تر کشورهای جنوب‌شرقی آسیا، تعاونی‌ها توانسته‌اند در قالب‌های کوچک مقیاس بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی را به کار گرفته و سهم‌شان را در تولید ناخالص ملی و حتی همبستگی و وحدت اجتماعی افزایش دهند (محمدرضایی، ۱۳۸۷: ۱۲).

روش

روش‌شناسی مورد استفاد در این مطالعه، روش‌شناسی کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد^۱ به‌عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه داده بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده بنیاد تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی ارائه مدل نه توصیف صرف پدیده.

نمونه‌گیری

در بررسی کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظریه به‌صورت هم‌زمان استفاده کرد. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۵). به‌همین منظور در پژوهش حاضر مطالعه با استفاده از کدگذاری و تجزیه و تحلیل اسناد موجود که ۱۰ پژوهش کیفی را شامل می‌شده در وزارت تعاون آغاز گشت. این اسناد شامل گزارش کارگاه مشارکتی تحلیل محیطی شرکت‌های تعاونی مسکن

و مصرف آموزش و پرورش، اعتبار، حمل‌ونقل، کشاورزی، نیاز، صنایع‌دستی زنان، بهداشت و درمان و بررسی موانع برونی موجود در راه بهبود و ارتقا کیفی و کمی تعاونی‌های مرزنشینان است. پس از تجزیه و تحلیل این داده‌ها در جهت نمونه‌گیری نظری و بسط و گسترش هرچه بهتر پژوهش، مصاحبه با متولیان و پژوهشگران حوزه تعاونی‌ها که سابقه فعالیت طولانی‌مدت در بدنه تشکیلات تعاونی را نیز داشتند، انجام پذیرفت. نمونه‌هایی که با آن‌ها مصاحبه حضوری انجام پذیرفت دکتر باباخانلو مدیر کل توسعه تعاونی‌های وزارت تعاون، دکتر رستمی مدیرکل تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون، مهندس بیگدلی مدیرکل تعاونی‌های توزیعی کشور، محمدحسین مستعانی بازنشسته تعاونی، دکتر مسعود گلچین و دکتر رضا صفری شالی عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی؛ دکتر ذکاوتی هیئت علمی دانشگاه خوارزمی؛ دکتر انصاری هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر فرهادی هیئت علمی دانشگاه علامه و... که جمعاً ۱۷ نفر را شامل می‌شدند هستند. تأکید بر تجربه کاری در تشکیلات تعاونی‌ها در انتخاب افراد نمونه مورد مصاحبه از آن جهت بوده است که نظر فرد از روی شناخت تعاونی بیان گردد و داده‌ها قابل اعتماد باشند. علاوه بر مصاحبه‌های حضوری فایل‌های مصاحبه موجود در آرشیو صدا و سیما مربوط به حوزه پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفتند. افرادی که فایل‌های آرشیوی مصاحبه آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است مهندس کلانتری معاون امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ابراهیم طلایی مدیرعامل اتحادیه‌های تعاونی‌های مصرف، ارسالان قاسمی مدیرعامل تعاونی مرغداران هستند. مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آرشیو تا حصول اشباع نظری که در آن مفهوم و مقوله‌ی جدیدی ظاهر نشد ادامه یافت. گردآوری اطلاعات از بهمن ماه ۱۳۹۴ آغاز گردید و تا خردادماه ۱۳۹۵ به درازا کشید.

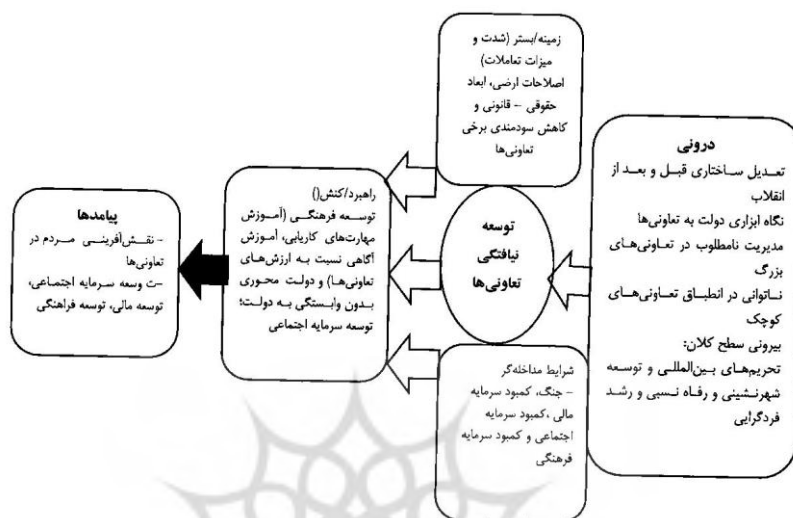
تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بیان مسئله طرح شد مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر این خواهد بود که «چه مدل نظری موانع توسعه تعاونی‌ها را از دیدگاه آگاهان کلیدی تبیین می‌کند؟» چه تغییراتی در ایران رخ داده که تعاونی‌ها به جایگاه تعریف شده خود در قانون دست نیافته‌اند؟ راهبردهای کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ لذا با استفاده از

داده‌های اولیه (مصاحبه با آگاهان کلیدی) و ثانویه (پژوهش‌های انجام شده) به پاسخگویی به سوال تحقیق پرداخته‌ایم در این فرایند مصاحبه با پانزده فرد آگاه کلیدی پرداخته شد که در فرد نهم به اشبا نظری دست یافتیم اما جهت حصول اطمینان تا ۱۷ نفر ادامه داده‌ایم. در این بخش مقاله، ضمن شرح داده‌های جمع‌آوری شده از مجموعه مصاحبه‌ها، تلاش می‌گردد تا فرآیند استخراج مفاهیم اصلی، کدگذاری باز، محوری و کدگذاری انتخابی به انجام رسیده و چهارچوب نظری پدیدار گردد.

بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد تعدیل ساختاری قبل و بعد از انقلاب، مدیریت نامطلوب در تعاونی‌های بزرگ و ناتوانی در انطباق تعاونی‌های کوچک به‌عنوان شرایط علی درونی؛ تحریم‌های بین‌المللی و توسعه شهرنشینی و رفاه نسبی و رشد فردگرایی به‌عنوان شرایط علی بیرونی؛ اصلاحات ارضی، ابعاد حقوقی- قانونی و کاهش سودمندی برخی تعاونی‌ها به‌عنوان بستر؛ جنگ، کمبود سرمایه مالی، کمبود سرمایه اجتماعی و کمبود سرمایه فرهنگی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ توسعه فرهنگی (آموزش مهارت‌های کاریابی، آموزش آگاهی نسبت به ارزش‌های تعاونی‌ها) و دولت محوری بدون وابستگی به دولت؛ توسعه سرمایه اجتماعی به‌عنوان راهبرد و پیامدهای توسعه تعاونی‌ها و مقوله هسته‌ای این بررسی موانع توسعه تعاونی است که مقولات عمده فوق را در بر می‌گیرد.

در ادامه متن سخنان آگاهان کلیدی در خصوص علل درونی و بیرونی موانع توسعه تعاونی شرح داده شده است.



شکل شماره ۱: مدل نهایی پارادایمی عدم توسعه تعاونی

با مرور مصاحبه‌ها و بازخوانی مفاهیم در نهایت ۱۵ مقوله نهایی استخراج شدند. با انجام کدگذاری محوری زیر مقوله‌ها به یکدیگر و همچنین به مقوله‌های عمده ربط یافتند و همچنین نوع مقوله‌ها از حیث علی، فرآیندی و پیامدی مشخص گشت. مقولات و زیر مقولات عمده استحصال شده از جریان پژوهش در جدول ذیل قابل مشاهده هستند.

جدول شماره ۱: مقولات و زیر مقولات استحصال شده در جریان تحقیق

مقوله عمده	زیر مقولات	مقوله عمده	زیر مقولات
	تدوین قوانین نامناسب،	چالش‌ها و	مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی، مشکلات
چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها	عدم استقلال در وضع قوانین، ضعف نهادینه‌سازی و اجرای قوانین، نقض قوانین موجود	مشکلات عمومی کشور	عمومی اقتصادی، ضعف در تصویب و بی‌تعدالی و بی‌برنامگی نهادی، بوروکراسی

ادامه جدول شماره ۱

مقوله عمده	زیر مقولات	مقوله عمده	زیر مقولات
ضعف متولیان تعاون در کشور	ندارد	مشکلات درون بخشی تعاونی	چالش‌های مدیریتی، ضعف آموزش و تخصص در تعاونی، عدم تطابق با شرایط جدید، وابسته بودن و عدم اتکا به خود، تعارضات درونی تعاونی، مشکلات نقشی در تعاونی، مشارکت ضعیف اعضا ضعف اطلاعاتی، مشکلات مالی و سرمایه‌ای، ضعف در تجهیزات و ملزومات اولیه؛ ضعف آموزش حقوقی در تعاون، ضعف ارتباط بین بخشی و درون بخشی، ساختار غیررقابتی اقتصادی، مشکلات تولیدی تعاونی‌ها، مشکلات مربوط به عرضه کالای تعاونی‌ها
نگاه ابزاری به تعاونی	ندارد	زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور	فرسایش سرمایه اجتماعی، وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب، ضعف روحیه کار جمعی، نظام و فرهنگ اشتغال انعطاف‌ناپذیر، بی‌تفاوتی نسبت به نهاد تعاون، بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاونی
صدمه دیدن ساختار تعاونی	تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری تعاونی، تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بدنه تعاون	عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی	جایگاه نامشخص تعاونی، عدم ضمانت و حمایت مشخص از تعاونی‌ها، درک نادرست از تعاونی، بی‌توجهی به تعاونی، ضعف حمایت و ارتباط فرابخشی، اجحاف در مقایسه با بخش خصوصی، مشکلات مربوط به تسهیلات بانکی، ضعف حمایت‌های مالی، مشکلات اقتصادی ناشی از ارگان‌های رقیب، مشکلات مالیاتی
پیدایش تعاملات نابهنجار	پیدایش رانت، پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه	چالش‌های دولتی تعاونی‌ها	چالش‌های درون دولتی، بی‌توجهی دولت به تعاونی، مشکلات اقتصادی دولتی
عدم کامیابی تعاونی‌ها		ضعف سرمایه انسانی در تعاونی	ضعف آموزش و آگاهی اعضا؛ نگاه ابزاری اعضا به تعاونی، پایگاه اقتصادی پایین اعضا

ادامه جدول شماره ۱

مقوله عمده	زیر مقولات	مقوله عمده	زیر مقولات
ظهور بی‌اعتمادی ناشی از عدم کامیابی تعاونی‌ها		نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی	نگاه تب مالتی به تعاونی
		چالش‌های تعاونی در عرصه بین‌الملل	سیاست‌های تجاری نامطلوب، ضعف رقابت با بخش خارجی، چالش‌های سیاسی در عرصه بین‌الملل

در ابتدا شرایط علی درونی موانع توسعه‌ای تعاون و سپس زمینه‌های شکل‌گیری عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها شرح داده می‌شود و سپس تعاملات و در نهایت پیامدهای عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها شرح داده می‌شوند.

شرایط علی درونی موانع توسعه‌ای تعاون

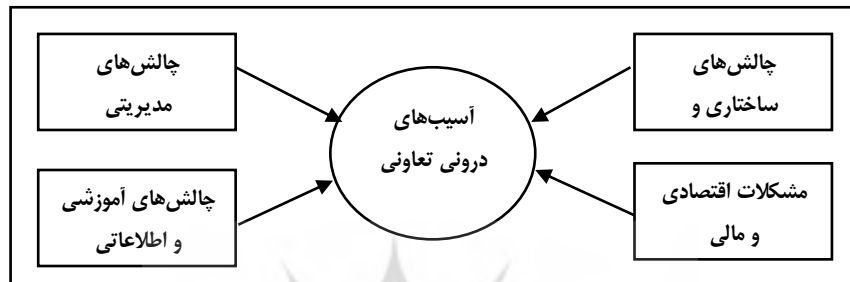
شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۲). در مدل پارادایمی به‌دست آمده از پژوهش حاضر، مشکلات درون‌بخشی تعاونی، عدم برنامه‌ریزی مدون و مشخص در خصوص تعاونی‌ها و ضعف سرمایه انسانی در تعاونی به‌عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده‌اند.

از میان مقولات تولیدشده، تعدیل ساختاری قبل و بعد از انقلاب، مدیریت نامطلوب در تعاونی‌های بزرگ، ناتوانی در انطباق تعاونی‌های کوچک محوری‌ترین مفهوم استخراج شده است. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آنها تنها به ذکر نکات کلیدی پرداخته می‌شود که مقوله اصلی شناخته شده‌اند.

مشکلات درون‌بخشی تعاونی

منظور از مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌ها آسیب‌ها و مشکلاتی است که در بدنه خود سیستم تعاونی در عرصه‌های گوناگون وجود دارند. این چالش‌ها را می‌توان با توجه به

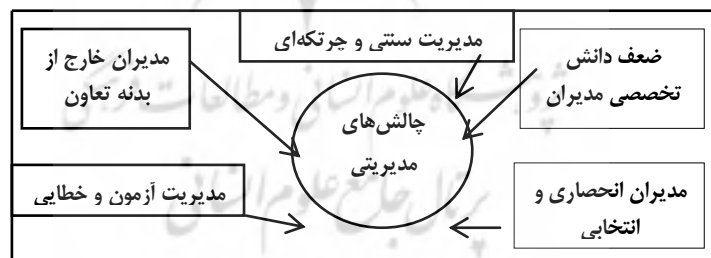
یافته‌های پژوهش به چهار دسته کلی چالش‌های مدیریتی، چالش‌های آموزشی و اطلاعاتی، چالش‌های ساختاری و سازمانی و مشکلات اقتصادی و مالی تقسیم نمود.



شکل شماره ۲: چالش‌ها و آسیب‌های درونی تهدیدکننده ساختار تعاونی

چالش‌های مدیریتی در تعاونی

مشکلاتی که تعاونی‌ها در عرصه مدیریت با آن مواجه هستند دارای مؤلفه‌ها و ابعاد متفاوتی است. ابعاد گوناگون مدیریتی تعاونی‌ها در قالب تصویر ذیل به نمایش آمده‌اند. عرصه مدیریت با آن مواجه هستند دارای مؤلفه‌ها و ابعاد متفاوتی است. ابعاد گوناگون مدیریتی تعاونی‌ها در قالب تصویر ذیل به نمایش آمده‌اند.



شکل شماره ۳: مؤلفه‌ها و ویژگی‌های چالش‌های مدیریتی در تعاونی

چالش‌های مدیریتی در تعاونی‌ها دارای نقطه‌ضعف‌های بدین شرح است:

مدیریت سنتی و چرتکه‌ای: شیوه‌های مدیریت و پیشبرد امور در تعاونی‌ها به صورت علمی و نوین نبوده و عمدتاً مبتنی بر مدیریت سنتی و چرتکه‌ای که الگوهای سنتی و قدیمی را بازتاب می‌دهد هست. از طرفی دیگر در انجام امور مدیران به شیوه غیرهوشمندانه و عمدتاً احساسی، غیرکارشناسی، عدم انسجام و پیوستگی در امور، عدم شور و مشورت با اعضا عمل می‌کنند؛ بنابراین مدیران با تصمیمات ناکارآمد خود که عمدتاً مبتنی بر هماهنگی با اعضا و هیئت‌مدیره نبوده و با شیوه سیاه لشگری (منظور شیوه‌ای است که در آن عمدتاً یک نفر به شیوه قهرمانانه به دنبال پیگیری و حل مشکلات بوده زمام امور را در برابر سکوت و فرمانبری اعضا به دست می‌گیرد) باعث آسیب به بدنه تعاون می‌شوند. مدیر عامل یکی از تعاونی‌های کشاورزی در این خصوص بیان می‌کند: «نه اینکه طبق روال خیلی از تعاونی‌ها فقط امضاءکننده صورت‌جلسه باشند که متأسفانه در این‌گونه تعاونی‌ها یک نفر نظر می‌دهد و مجری است و مابقی افراد فقط سیاهی لشگر می‌باشند».

ضعف دانش تخصصی مدیران: بخش خصوصی به دلایل متعدد از جمله دانش و اطلاعات اقتصادی کافی و قدرت مالی مناسب قادر است برای اداره فعالیت‌های خود مدیران موفق و کار آبی را در اختیار بگیرد و در نتیجه از سوددهی بالایی در حوزه فعالیتش برخوردار باشد. در حالی که بخش تعاونی به خصوص به دلیل ضعف مالی، ناچار به استفاده از مدیران کم مهارت با حقوق اندک که غالباً از بین خود اعضا انتخاب می‌شود، هستند و در نتیجه از نظر مدیریت فعالیت‌هایشان با مشکل مهمی مواجه می‌گردند. دکتر رستمی در این خصوص بیان می‌کند: «بنابراین چون دغدغه‌ی رقابت ضعیفه کیفیت مدیریتش مثل بخش خصوصی نیست». دکتر صفری شالی نیز می‌افزاید: «و از طرفی هم وزارت تعاون حکم پارکینگ داره عمدتاً شایسته‌سالاری رعایت نمیشه و خیلی از مدیرانی که وارد حوزه تعاون میشن با الفبای تعاون و مدیریت یک واحد اقتصادی آشنا نیستن».

شرایط علی بیرونی موانع توسعه‌ای تعاون

از میان مقولات تولیدشده، تحریم‌های کلان بین‌المللی؛ توسعه شهر نشینی و رشد فردگرایی محوری‌ترین مفهوم استخراج شده است. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آنها تنها به ذکر نکات کلیدی پرداخته می‌شود که مقوله اصلی شناخته شده‌اند.

مقوله تحریم‌های کلان بین‌المللی

اعمال تحریم‌های چندجانبه به ایران طی سال‌های گذشته پیامدهایی همچون کاهش رشد اقتصادی و صنعتی کشور، محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تضعیف ریال، چند برابر شدن نرخ تورم و کاهش تولید و صادرات نفت و گاز برای اقتصاد ایران در پی داشت.

آقای دکتر باباخانو مدیر کل برنامه‌ریزی وزارت تعاون در این باره معتقدند:

تحریم‌های بین‌المللی باعث شد امکان انتقال تکنولوژی مورد نیاز تعاونی‌ها به حداقل برسد و در عین حال مانع از توسعه صادرات کالاهای تعاونی‌ها و امکان جذب سرمایه گردید.

مقوله تحریم‌های کلان بین‌المللی ۳ ویژگی‌های عمده دارد شامل: ۱- ممانعت از انتقال تکنولوژی ۲- اختلال در صادرات ۳- اختلال در سرمایه‌گذاری بین‌المللی

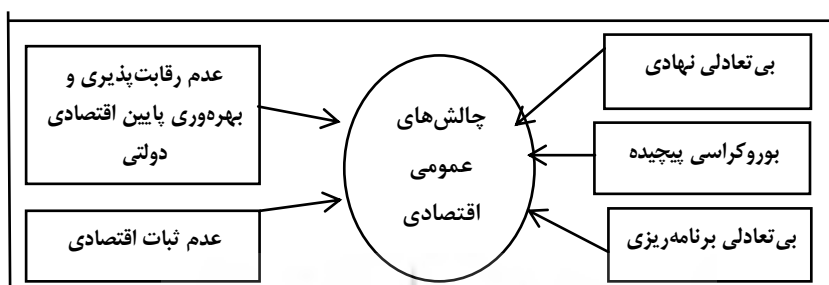
بستر

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطی‌اند که در یک‌زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با عمل / تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۴). در پژوهش حاضر «چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور»، «زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور»، «چالش‌های دولتی تعاونی» به‌عنوان شرایط زمینه‌ای عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها مطرح هستند.

چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور

پسوند عمومی اشاره به این واقعیت دارد که این چالش‌ها و مشکلات ناشی از فضای کلی اداری، اقتصادی و اجتماعی کشور هستند که در تمامی حوزه‌ها مؤثر هستند. در واقع حوزه اثرگذاری این چالش‌ها در تمامی واحدهای خدماتی و تولیدی از جمله تعاونی بوده و مختص به یک حوزه نیست. این چالش‌ها و مشکلات عمومی که از متن مصاحبه‌ها و پژوهش‌ها به‌عنوان موارد اثرگذارتر در تعاونی‌ها بدان‌ها اشاره شده است در پنج محور عمده عدم رقابت‌پذیری و بهره‌وری پایین اقتصاد دولتی، عدم ثبات اقتصادی بی‌تعادلی در برنامه‌ریزی،

بی‌تعدالی در نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی و بوروکراسی پیچیده در مناسبات کشور قرار می‌گیرند؛ که در تصویر زیر این مشکلات و چالش‌ها قابل مشاهده هستند.



شکل شماره ۴: چالش‌های عمومی اقتصادی مؤثر بر عدم توسعه مطلوب و فعال اقتصادی تعاونی‌ها

چالش‌ها و مشکلات مندرج در شکل شماره ۲ حکایت از آن دارند که چالش‌های بی‌تعدالی در سیستم برنامه‌ریزی و اجرایی کشور و مشکلات عمومی اقتصادی موتور و نیرو محرکه تعاونی در گردش به سمت توسعه و پیشرفت با مشکل مواجه می‌کنند و از سرعت آن می‌کاهند که در ادامه فرایند و داستان این اثرگذاری، به دلیل کمبود فضای مقاله، در ۱ محور تشریح می‌گردد.

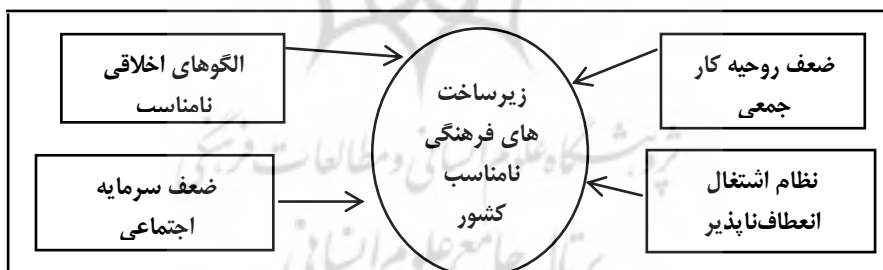
عدم رقابت‌پذیری و بهره‌وری پایین اقتصاد دولتی

ساختار کلی اقتصادی کشور به صورتی است که بیشتر متکی به نفت و حضور پررنگ دولت وابسته است. دکتر رستمی در توصیف این وضعیت بیان می‌کند: وقتی که نقش نفت تو اقتصاد ما جدی شد بی‌دلیل بزرگ شد دولت. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ به دلیل افزایش درآمد نفتی گرایش عمومی و گرایش به سمت اقتصاد دولتی رفت. ما اقتصاد دولتی رو قائل بهش نیستیم و اقتصادی که بخاد متکی به نفت باشه؛ بنابراین هرچقدر میزان سلطه و نفوذ دولت گسترده‌تر وسیع‌تر شود در نتیجه آن زمینه جهت فعالیت نهادهای اقتصادی دیگر مانند بخش تعاونی‌ها کمتر می‌شود. دکتر کالانتیری در این خصوص بیان می‌کند: «در حال حاضر باید در دولت کوچک‌سازی اتفاق بیفتد چون اگر میخان که بخش تعاون رشد کنه باید میزان نقش اقتصادی پررنگ دولت کمتر بشه تا به بخش‌هایی مانند افزوده بشه». پس

مشخص می‌شود که نقش پررنگ دولت در اقتصاد، فضای غیررقابتی با بهره‌وری پایین را به دنبال دارد که در نهایت امر منجر به عدم موفقیت اقتصاد دولتی می‌شود». در این خصوص یکی از مدیرعامل‌های تعاونی کشاورزی در گزارش کارگاه مشارکتی تعاونی‌های کشاورزی بیان می‌کند: «زمانی که فضا واسه رقابت سازمان‌های تولیدی نباشه خودبه‌خود ساختار انحصاری شکل می‌گیره که فضای رقابتی و کیفیت را کاهش میده. نمونه بارز خودروسازی ماست که فقط دوتا شرکت باهم رقابت میکنن همین باعث میشه کیفیت کمتر بشه».

زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب در کشور

ضعف فرهنگ تعاون در کشور مقوله‌ای مهم است که دال بر این واقعیت دارد که تعاون به همراه ارزش‌ها و مزایای اقتصادی و اجتماعی آن در جامعه ترویج و تشویق نشده است. به صورتی که عموم مردم نسبت به تعاون و اهداف آن و اصول آن آگاهی چندانی ندارند. در الگوهای اخلاقی و فکری فرهنگی کشور ما که تعاملات و مناسبات ما را هدایت می‌کنند ویژگی‌هایی ملاحظه می‌شود که مانع ادامه فعالیت هرچه بهتر تعاونی‌ها می‌گردند. ابعاد گوناگون این ویژگی‌ها در تصویر ذیل تشریح شده است.



شکل شماره ۵: عوامل فکری، اخلاقی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش زیرساخت‌های نامناسب کشور

با توجه به شکل شماره ۳ مشخص می‌شود که الگوهای اخلاقی نامناسب، سرمایه اجتماعی، ضعف روحیه کار جمعی و نظام اشتغال انعطاف‌ناپذیر مجموعه ویژگی‌های اخلاقی در جامعه هستند که زیرساخت‌های فرهنگی نامناسبی در کشور به منظور فعالیت هرچه بهتر

تعاونی‌ها پدید آورده‌اند. در ادامه به تشریح فرایند اثرگذاری یک مورد از این ویژگی‌های مذکور بر روند فعالیت تعاونی پرداخته می‌شود.

الف) الگوهای اخلاقی نامناسب

ویژگی‌های اخلاقی متنوعی در نظام فرهنگی ما تعریف شده است که راهنمای عمل کنشگران در عرصه رفتاری آن‌هاست. این ویژگی‌ها شامل موارد زیر است. یکی از این الگوهای فرهنگی نامناسب عقلانیت ابزاری و منفعتی طلبی است. دکتر رستمی در این خصوص بیان می‌کند: «در این همین راستا دکتر رستمی بیان می‌کند. «در همه دنیا اگر تعاونی پیش رفت یکسری آدمای فداکار بودن و این آدمای ایران کم میشن و از طرفی اعتماد کم می‌شه» بنابراین شخصیت فداکار که بخواهد جهت منافع جمعی و خیر عمومی حرکت کند کم شده است. دکتر گلچین در این زمینه بیان می‌کند. آمادگی که مایه کاری بکنیم که در عین حال که خیرش به خودمان می‌رسه به دیگران هم برسه وجود نداره».

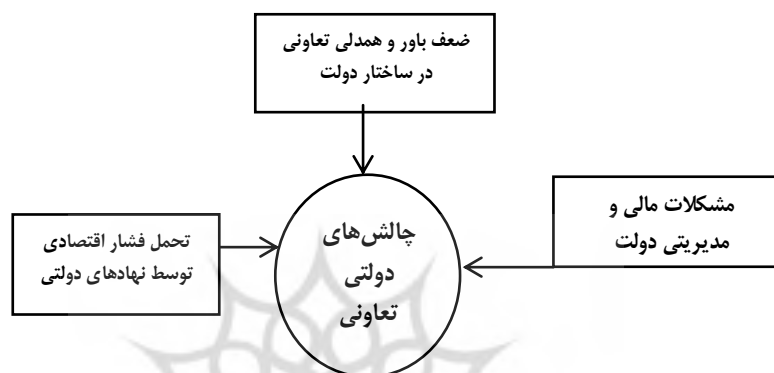
شرایط مداخله‌گر

شرایط دخیل (میانجی) آن‌هایی‌اند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۳). در پژوهش حاضر ضعف متولیان تعاون در کشور، چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل و چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها به‌عنوان شرایط میانجی در نظر گرفته شده‌اند.

چالش‌های دولتی تعاونی

منظور از چالش‌های دولتی تعاونی، مشکلات و دغدغه‌هایی است که در بستر دولت وجود دارد و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تعاون و تعاونی اثرگذار هستند. به‌نحوی که دولت در متن تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های خود با چالش‌هایی مواجه است که فرصت رسیدگی کامل و بلندمدت به یک حوزه خاص مانند تعاونی را ندارد. چالش‌هایی که درون ساختار دولت بوده و تهدیدکننده تعاون و فعالیت‌های آن نیز هست شامل سه دسته عمده ضعف باور و همدلی تعاونی در ساختار دولت و دولتمردان، مشکلات مالی و مدیریتی و

تحلیل فشارهای اقتصادی توسط ارگان رقیب و دولتی می‌شوند که ساختار فعالیت تعاونی‌ها را در روند تولید و توزیع خدمات دچار رکود می‌کند.



شکل شماره ۶: ویژگی‌ها و مؤلفه‌های چالش‌های دولتی تعاونی

ضعف باور و همدلی تعاونی در ساختار دولت و دولتمردان

برای رسیدن به توسعه و پیشرفت اقتصادی نیازمند یک باور و میل به خواستن در عرصه اجرایی و عمومی کشور هستیم. بارها در کشور ما از حوزه تعاون و تعاونی به‌عنوان راهکار حل چالش‌های اقتصادی همچون بیکاری و فقر و عدالت اجتماعی سخن گفته‌شده است و حتی برنامه‌های قانونی زیادی جهت توسعه این بخش تنظیم شده است. باوجود این برنامه‌ها باز شاهد رشد تعاون در حد مطلوب نیستیم. به‌نظر می‌رسد که مشکل تعاونی‌ها ناشی از یک میل و اراده است که دولتمردان را نسبت به تعاون و اهمیت آن به سمت جلو هدایت کند. دکتر صفری شالی در این زمینه بیان می‌کند: یعنی اون میل و باور از سمت دولت برای رشد تعاونی وجود نداره؛ اما اینکه (دولت) استراتژی بلندمدت بدهد چیزی وجود ندارد». علاوه بر این تعاون‌گران از عدم همکاری و حمایت لازمه بخش دولتی و نهادهای دولتی از خود گلایه دارند. دکتر قاسمی‌نیا عضو اتاق تعاون کشور در این زمینه بیان می‌کند: نکته دیگر حمایت دولت از تعاونی‌ها. این حمایت ما برای اینکه در عرصه اقتصاد حضور داشته باشیم و در عرصه رقابت تعاون حرف واسه گفتن داشته باشه دولت باید توانمندسازی انجام بده.

اصلاً یکی از موضوعات اساسی اصل ۴۴ توانمندسازی بخش خصوصی و تعاون توسط دولته. ما که هم در بخش دولتی بودیم هم در بخش غیردولتی و خصوصی واقعاً ندیدیم که اقدامی به آن صورت انجام گرفته باشه». مدیرعامل یکی از تعاونی‌های اعتبار نیز می‌افزاید: عدم اعتماد کافی بخش دولتی به تشکل‌های تعاونی و اتحادیه. برخورد سلیقه‌ای مدیران دولتی با بخش تعاون وجود داشته و دارد».

راهبرد/کنش (تعاملات و کنش‌ها)

عمل/ تعامل یا کنش / کنش متقابل اصلاحاتی‌اند که ما برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم. این تاکتیک‌ها یا رفتارهای عادی چیزهایی‌اند که مردم و سازمان‌ها و جوامع یا ملت‌ها انجام می‌دهند یا می‌گویند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵). نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی، پیدایش تعاملات نابه‌هنجار و صدمه دیدن ساختار تعاون به‌عنوان کنش‌ها و تعاملات پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند.

مقوله نگاه ابزاری دولت به تعاونی‌ها

مقوله نگاه ابزاری دولت به تعاونی‌ها از مهم‌ترین عوامل درونی شکل‌گیری موانع توسعه‌ای تعاون است. تاریخ هفتاد و چند ساله تعاون در ایران نشان می‌دهد در غیاب رویکرد هدفمند و استراتژیک مبتنی بر تعریف و تبیین نقش توسعه‌ای نهضت تعاون، مواجهه دولت‌ها با تعاون رویکردی پروژه محور بوده است. فقدان رویکرد استراتژیک در این حوزه موجب شده است این رابطه در چارچوب نگاه کوتاه‌مدت و ابزاری تعریف شده و از سازوکار تعاون عمدتاً برای ساماندهی و مدیریت چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی- اجتماعی بخصوص آنهایی که دارای قابلیت تبدیل به چالش‌ها و بحران‌های سیاسی- امنیتی بودند، استفاده شده است.

مقوله نگاه ابزاری دولت به تعاونی‌ها ۳ ویژگی‌های عمده دارد شامل: ۱- مداخله جویانه بودن ۲- نگاه کوتاه‌مدت داشتن ۳- استفاده در شرایط بحرانی

این رویکرد دولت به تعاون یعنی نگاه کوتاه‌مدت، ابزاری و مداخله‌جویانه مانع از این شده است تا تعاون به‌عنوان یک نهاد اجتماعی از دل نیازهای جامعه برخاسته و با کمک

نیروها و گروه‌های اجتماعی رشد و نمو پیدا کند. تجربه‌ای که در بسیاری از کشورها تکرار شده و تعاون پس از دوران افت و خیزهای اولیه راه رشد خود را پیدا کرده و با دستیابی به کارکردهای طبیعی خود به امری نهادینه تبدیل شده و در کنار سایر انواع فعالیت‌های تجاری به جایگاه مناسبی در حیات اقتصادی و اجتماعی آن کشورها دست پیدا کرده است.

آقای دکتر رستمی مدیر کل آموزش و پژوهش وزارت تعاون در این باره معتقدند:

«وقتی جنگ شروع شد مشکل گرانی و احتکار و کمبود کالا و اینا بوجود اومد دولت باز تعاونی مصرف رو ابزار قرار داد و یه موجی از تعاونی‌های مصرف رو توی اون دوره دیدیم».

«پس در سال ۱۳۷۰ وزارت تعاون تاسیس شد برای حمایت از تعاونی‌های اشتغال‌زا. در اوایل تعاونی‌های مشاء برای سازماندهی مشکلات کشاورزان ایجاد شد. در واقع تعاونی بیش از این که یک نهاد اجتماعی باشد ابزاری بود در دست دولت برای حل معضلات اقتصادی و اشتغال و سازماندهی نظام توزیع».

پیامدها: عدم توسعه تعاونی‌ها

آخرین اصطلاح پارادایمی پیامد است. هر جا انجام یا عدم انجام عمل / تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۶). عدم کامیابی تعاونی‌ها و به‌تبع آن ظهور بی‌اعتمادی ناشی از عدم کامیابی تعاونی‌ها به‌عنوان پیامدها در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند. عدم کامیابی تعاونی‌ها نتیجه کنش‌ها و تعاملات ایجادشده (نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی، پیدایش تعاملات ناپه‌نجار و صدمه دیدن ساختار تعاون) و تأثیرپذیری از شرایط علی و زمینه‌ای و میانجی است.

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی پژوهش این است که: چه نظریه‌ای عدم توسعه تعاونی‌ها را تبیین می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقوله هسته «موانع ساختاری-اجتماعی» از داده‌های پژوهش احصاء گردید و به مرکز ثقل مدل پارادایم تبدیل شد. در مدل پارادایمی ارائه شده چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور، زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور، چالش‌های دولتی تعاونی

به‌عنوان «شرایط زمینه‌ای»، مشکلات درون‌بخشی تعاونی، عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی و ضعف سرمایه انسانی در تعاونی به‌عنوان «شرایط علی»، ضعف متولیان تعاون در کشور، چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل و چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها «شرایط میانجی»، نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی، پیدایش معاملات نابهنجار و صدمه دیدن ساختار تعاون «فرآیندها»، عدم کامیابی تعاونی‌ها و ظهور بی‌اعتمادی ناشی از عدم کامیابی تعاونی‌ها به‌عنوان «پیامدها» عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها هستند.

چالش‌ها و مشکلات عمومی در به وجود آمدن مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌ها، عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی ضعف متولیان تعاون در کشور مؤثر هستند. ارتباط میان مشکلات و چالش‌های عمومی کشور و مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌ها را می‌توان اینگونه شرح داد که مشکلات عمومی اقتصادی در کشور به مشکلات مالی و سرمایه‌ای، ضعف در تجهیزات و ملزومات اولیه و مشکلات تولیدی تعاونی‌ها منجر شده است. از طرفی مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی خود را در مشکلات درون‌بخشی تعاونی در قالب ساختار غیررقابتی تعاونی‌ها نشان می‌دهد. بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی موجود در کشور خود را در ساختار تعاونی‌ها به‌صورت تعارضات درونی تعاونی‌ها، مشکلات نقشی در تعاونی، ضعف ارتباط بین بخشی و درون بخشی نشان می‌دهد. ارتباط میان چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور را با عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی می‌توان به این نحو شرح داد که مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی در کشور به مشکلات اقتصادی ناشی از ترجمان‌های رقیب در تعاونی‌ها و مشکلات مالیاتی ختم شده است. مشکلات عمومی اقتصادی در کشور نیز منجر به ضعف حمایت‌های مالی و مشکلات مربوط به تسهیلات بانکی شده است. ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین در کشور نیز به عدم ضمانت و حمایت مشخص از تعاونی‌ها و مشکلات مالیاتی در تعاونی‌ها منجر شده است. بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی موجود در کشور نیز در مشکلات مربوط به عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی‌ها به جایگاه نامشخص تعاونی، ضعف ارتباط و حمایت فرا بخشی منجر شده است. در تشریح ارتباط میان چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور و ضعف متولیان تعاون در کشور می‌توان گفت که بی‌تعادلی و بی‌برنامگی

نهادی است که منجر به دخالت نابجای وزارت تعاون در امور تعاونی‌ها می‌گردد. بوروکراسی رایج در کشور نیز نمودش در تشکیلات متولیان تعاون در کشور به پیچ‌وخم‌های اداری و طولانی شدن فرآیند اخذ مجوز ختم می‌گردد. یکی دیگر از بسترهای عدم توسعه‌یافتگی تعاونی‌ها زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور است. ارتباط میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور و مقولات علی و مداخله‌گر را می‌توان بدین نحو شرح داد که زیرساخت‌های نامناسب کشور با مشکلات درون‌بخشی تعاونی، عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی، ضعف سرمایه انسانی در تعاونی در ارتباط است. رابطه میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور را با مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌ها بدین نحو می‌توان شرح داد که فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی، ضعف روحیه‌ی کار جمعی، وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب منجر به وابسته بودن و عدم اتکا به خود، مشارکت ضعیف اعضا درون تعاونی‌ها شده است. از طرفی بی‌تفاوتی نسبت به نهاد تعاون و بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاونی در کشور منجر به ضعف آموزش حقوقی کارکنان، ضعف آموزش و تخصص در تعاونی و ضعف اطلاعاتی در میان اعضا شده است. از طرف دیگر نظام و فرهنگ اشتغال انعطاف‌ناپذیر در تعاونی منجر به مشکلات مربوط به عرضه کالا در تعاونی‌ها شده است. ارتباط میان زیرساخت‌های نامناسب کشور با عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی را بدین نحو می‌توان تشریح کرد که بی‌تفاوتی نسبت به نهاد تعاون در کشور منجر به بی‌توجهی به تعاونی در برنامه‌ریزی‌های مختص به تعاونی‌ها گردیده است. از طرفی بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاونی منجر به درک نادرست از تعاونی در برنامه‌ریزی در خصوص تعاونی‌ها شده است. ارتباط میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور و ضعف سرمایه انسانی در تعاونی‌ها را بدین نحو می‌توان شرح داد که وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب، ضعف روحیه کار جمعی و بی‌تفاوتی نسبت به نهاد تعاون با نگاه ابزاری اعضا درون تعاونی‌ها در ارتباط است. از طرفی بی‌اطلاعی عمومی از وجود تعاون به ضعف آموزش و آگاهی اعضا منجر می‌گردد. یکی دیگر از بسترهای توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها چالش‌های دولتی تعاونی‌هاست. چالش‌های دولتی تعاونی‌ها با مشکلات تولیدی تعاونی‌ها و مشکلات مربوط به عرضه کالاهای تعاونی از مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌ها، جایگاه نامشخص تعاونی از مقوله عمده عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی،

ضعف رقابت با بخش خارجی از چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل در ارتباط است. از شرایط علی توسعه‌نیافتگی تعاونی‌ها عدم برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص تعاونی‌ها با چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها و چالش‌های تعاون در عرصه بین‌الملل در ارتباط است. بدین نحو که جایگاه نامشخص تعاونی‌ها منجر به تدوین قوانین نامناسب و ضعف نهادینه‌سازی در اجرای قوانین تعاونی‌ها از چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها و سیاست‌های تجاری نامطلوب از چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها شده است. از طرفی عدم ضمانت و حمایت مشخص از تعاونی‌ها با عدم استقلال در وضع قوانین، ضعف نهادینه‌سازی و اجرای قوانین در چالش‌های حقوقی تعاونی‌ها در ارتباط است.

پس از مشخص گشتن روابط میان شرایط زمینه‌ای، علی و میانجی با یکدیگر به رابطه میان آن‌ها با مقولات فرآیندی پرداخته می‌شود. چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور با صدمه دیدن ساختار تعاونی در ارتباط است. بدین نحو که مشکلات عمومی اقتصادی از چالش‌ها و مشکلات عمومی کشور در تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری تعاونی‌ها و تحلیل رفتن سرمایه اقتصادی آن‌ها مؤثر است. از طرفی ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین در پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه و رانت در تعاونی‌ها مؤثر است. زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور نیز با پیدایش تعاملات نابه‌هنجار و نگاه کوتاه‌مدت در تعاونی ارتباط وجود دارد. بدین نحو که وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب در کشور است که زمینه پیدایش تعاملات غیررسمی و سودجویانه و رانت را در تعاملات و راهبردهای تعاونی‌ها فراهم می‌نماید. از طرفی ضعف روحیه کار جمعی در تعاونی‌ها و بی‌تفاوتی نسبت به نهاد تعاون زمینه‌های نگاه کوتاه‌مدت یا به اصطلاح تب‌مالتی را در تعاونی‌ها فراهم می‌آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت که یکی از علت‌های مهم پیدایش تعاملات نابه‌هنجار در تعاونی‌ها، مشکلات درون‌بخشی تعاونی‌هاست. هنگامی که تعاونی‌ها از مشکلات جدی همچون ضعف آموزش، مشکلات مدیریتی، مشکلات سرمایه‌ای و مالی رنج می‌برند اعضای تعاونی‌ها برای رسیدن به حداقل سود شخصی و یا حتی موفقیت تعاونی‌شان در شرایطی که بسترهای قانونی و فرهنگی و اقتصادی به‌منظور تحقق این امر مهیا نیست به تعاملات نابه‌هنجار سودجویانه روی می‌آورند. عدم برنامه‌ریزی مدون و مشخص در تعاونی‌ها که خود را در

چالش‌های حقوقی موجود در ساختار تعاونی‌ها خود را نشان می‌دهد بر روی پیدایش تعاملات ناپهنجار در تعاونی‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. هنگامی که در تدوین قوانین مربوط به تعاونی‌ها و نهادینه‌سازی و اجرای قوانین موجود ضعف وجود داشته باشد بستر مشخص و تضمین‌شده‌ای برای موفقیت تعاونی‌ها وجود ندارد و اعضای تعاونی‌ها با درک و تجربه این امر به تعاملات غیررسمی و سودجویانه روی می‌آورند. از طرف دیگر ضعف متولیان تعاون در کشور نیز منجر به این امر می‌گردد که تعاونی‌ها نه تنها از حمایت مشخص و مدون ناامید شوند بلکه از دخالت‌های نابه‌جای متولیان گریزان باشند. این گریز از دخالت و عدم امید به حمایت خود را در پیدایش تعاملات ناپهنجار در تعاونی‌ها نشان می‌دهد. از طرف دیگر ضعف متولیان تعاون در کشور و عدم حمایت مستمر و نهادینه‌شده از آن‌ها تعاونی‌ها را به وضعیتی سوق می‌دهد که امیدی به فعالیت مستمر آن‌ها نیست و عملاً نگاهی کوتاه‌مدت برای تعاونی‌ها به وجود می‌آید. در نهایت نگاه کوتاه‌مدت به تعاونی و پیدایش تعاملات ناپهنجار درون تعاونی‌ها منجر به صدمه دیدن ساختار تعاون می‌گردد. پیدایش تعاملات ناپهنجار درون تعاونی‌ها که از جمله آن‌ها پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه و پیدایش رانت خود منجر به تحلیل رفتن سرمایه اقتصادی و اجتماعی درون تعاونی‌ها می‌گردد. در نهایت می‌توان گفت عدم کامیابی تعاونی‌ها پیامد صدمه دیدن ساختار تعاون در کشور است. با عدم کامیابی تعاونی‌ها و بازتاب آن در فضای جامعه بی‌اعتمادی به نهاد تعاون و ناامیدی از این نهاد در بین اعضای جامعه شکل می‌گیرد. به‌نحوی که با ظهور بی‌اعتمادی ناشی از عدم کامیابی تعاونی‌ها بسترهای و علت‌های ناکامیابی تعاونی‌ها تشدید می‌گردد. تعاونی در کشور خود می‌تواند یک راه‌حل برای برون‌رفت از شرایط اقتصادی نامطلوب باشد. با عدم کامیابی تعاونی‌ها در کشور چالش‌ها و مشکلات اقتصادی کشور تشدید می‌گردند. از طرفی نهضت تعاون می‌تواند خود عاملی برای افزایش همبستگی میان افراد باتجربه کار جمعی موفقیت‌آمیز مبتنی بر اعتماد باشد. با عدم کامیابی این نهضت زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور نیز تشدید می‌گردند. در نهایت با تشریح خط داستان «موانع ساختاری-اجتماعی» به‌عنوان مقوله هسته پژوهش حاضر انتخاب گشت. موانع ساختاری مشکلاتی هستند که درون تعاونی‌ها وجود دارند و موانع اجتماعی اشاره به بسترهای نامناسب رشد تعاونی‌ها در کشور دارند.

منابع

- تجربه برنامه‌ریزی در کشور ایران (۱۳۸۷)، دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، تهران.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵) *برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن*، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول.
- درگاه اینترنتی اتحادیه بین‌المللی تعاون، سال (۲۰۱۲).
- سازمان برنامه و بودجه، خلاصه پنجمین برنامه عمرانی، (۱۳۵۲).
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۱)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ دوم، یزد.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲)، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران، علم و سخن.
- علیزاده، عباس و معصومه اسدی عطایی (۱۳۹۰)، *مقررات تعاونی‌ها*، انتشارات آرمان خرد.
- کلباسی اصفهانی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *نقش تعاونی‌ها در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*، نشر ثمره، تهران.
- گل محمدی، حمید (۱۳۸۹)، *نهضت‌های تعاون در جهان*، انتشارات فرهنگ دهخدا.
- مستعانی، محمدحسین (۱۳۷۵)، *تعاون و گسترش عدالت اجتماعی*، وزارت تعاون.
- مستعانی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *مجموعه قوانین و مقررات تعاونی*، جلد دوم.
- معاونت امور نظام بهره‌برداری وزارت کشاورزی، گزارش اجمالی از عملکرد واحدهای تابعه (منتشر نشده)، ۱۳۷۵.
- مهاجرانی، مصطفی و جعفر عسکری (۱۳۸۴)، *تحولات تعاون در ایران: گذشته، حال و آینده*، نشر سروستان، تهران.
- نامغ، پرویز (۱۳۸۶)، *مبانی مدیریت دولتی*، نشر هستان.
- نورمحمدی، خسرو (۱۳۷۳)، *جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی*، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
- زولی، کی برلی (۱۳۸۵)، *اصول و رویکرد تعاون در قرن بیست و یکم*، ترجمه مرجانه سلطانی، وزارت تعاون.
- اصول اندیشه‌های تعاون، وزارت تعاون، تهران، ۱۳۸۴.

- استروس /کوربین (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی*، مترجم افشار، نشر نی.
- ملائی بیرکس وجین میلز (۱۳۹۳)، *تحقیق مبانی*، ترجمه: دکتر اعرابی و بانسی، نشر پژوهش‌های فرهنگی
- محمدرضایی، ع. (۱۳۸۷)، بررسی و شناسایی موانع و گسترش فعالیت‌های تعاونی در استان گلستان، *ماهانه تعاون*، شماره ۱۹۴-۱۹.
- نجفی، ب. (۱۳۸۸)، *تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر*.
- Glaser, B,G. & Strauss, L. (2008), *The Discovery of Grounded Theory: Strategies, For Qualitative Research* Chicago, Aldine Publishing Company.

